

آخر الامر که آن‌ها را مضمم در کردن اساس این ظلم و رکز علم عدل دیدند، فلهدذا دانستند اگر این طرح نو روی کار آمد، دست استبداد و ظلم آن‌ها کوتاه و خیانت‌های آن‌ها مشهود خواهد شد. محض حفظ خود و منافع خود، طلاب علم و ذریهٔ رسول را هدف گلولهٔ سرباز کردند، مسجد و معبد اسلام و خانهٔ خدا را مثل قلاع اشراک و متمردين محاصره نمودند. به‌بام مساجد، سرباز و قراول گذاشتند. نان و آب به روی علمای اسلام بستند، گوئی یاغی و قاتل بودند. از صدر اسلام الی یومنا هذا از هیچ ملت کفری، نسبت به علمای اسلام این توهین وارد نشده بود. این بی‌احترامی نه تنها به شخص علماء اسلام شده، بلکه در واقع به‌شرح محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌گردیده و ناعوس شریعت هتک شده است. اکنون جمیع هیأت علمای مذهب و بلکه تمام مسلمین اثناعشریه، جبر این توهین را به‌وجه کامل از حضور اقدس همایونی خواستگارند که امر و مقرر شود. مقصد حضرات علماء مهاجرین را انجام کرده و دلجوئی از ایشان نموده و به‌احترام تمام به وطن مألوف معاودت دهند و خصوص دعا‌گویان تبریز در دولت خواهی خاص که از سابق متهود خاطر دریا مقاطر است جسارت می‌کنیم، که قبول این استدعا و ارجاع مهاجرین مقضی المرام عاجلاً لازم است. و به‌وعد و قول اصلاح و اسکات عامه ممکن نیست. مترقب است بلوای محیطی باشد که رشته از دست دعا‌گویان رفته و به‌حکم ضرورت و الجاء، اقداماتی شود که باعث روسیاهی دعا‌گویان گردد.

جواب این تلگراف را بعد از این درج می‌نمائیم.

روز يك شنبه، هفتم جمادی‌الآخری ۱۳۲۴ هجری. در این روز بر عدهٔ متحصنین سفارت‌خانه افزوده گردیده و بازارها و سراها عموماً بسته گردیده، حتی سرگذرها نیز دکا کینش بسته گردید. مردم مبهور و حیران و سرگردان می‌باشند، احدی به‌عرض آن‌ها نمی‌رسد. کسبهٔ حضرت عبدالعظیم نیز آمدند به سفارتخانه. اهالی شمرانات و دهات اطراف هم به‌صدا درآمده، ادارهٔ قزاقخانه نیز در خیال آمدن به سفارتخانه می‌باشند. همه در بین آن‌ها افتاده است. طایفهٔ زنها هم گفتگوئی بین آن‌ها هست که بیایند در خیابان علاءالدوله که متصل به سفارتخانه است چادر بزنند.

از طرف علماء اعلام که در قم می‌باشند امروز قاصدشان آمد همگی سلامت بوده‌اند. میرزا ابراهیم عطار که خانه و دکانش نزدیک خانهٔ آقای طباطبائی است حامل کاغذ و پاکت آقایان بود که با پای پیاده از بیراهه آمده است و به سلامت رسید مذکور داشت سوار کشیک خانه و پانصد قزاق اطراف بلدهٔ قم را محاصره کردند که دهات اطراف اغتشاش نکنند. خداوند بر فقرا و ضعفا رحم کند که کار خیلی خراب است. زیرا که شاه خبر از وقایع ندارد

اطراف و اجزاء دولت هم از عین الدوله ملاحظه می نمایند و نمی گذارند خبر صحیح به شاه برسد .

شورش اهالی قم

در این روزها آقاسیدجمال در قم موعظه می کند . مردم جمع شده اند که حاکم ما متمدن خاقان ، گندم را جلو گرفته است و به قیمت گران به خباز می دهد . آقا هم در بالای منبر گفته است : تقصیر از خود شماست ، قبول ظلم نکنید . لذا مردم اجتماع نموده و بر حاکم خود شوریدند ، حاکم هم متوسل به آقایان شده آقایان اصلاح نموده و بنا شد گندم را به قیمت مناسب به مردم بدهند و شروع در دادن گندم به خبازها نمود و نیز متولی باشی در شب گذشته چراغهای حرم و صحن را در يك ساعت از شب گذشته خاموش نمود و مانع شد از این که مردم در صحن بمانند و این توهینی بزرگ بود که بر آقایان وارد آمد .

امروز تلگرافی از طرف اعلیحضرت مظفرالدین شاه در جواب تلگرافات علماء آذربایجان مخابره گردید که ما صورت آن را درج می نمائیم .

دستخط تلگرافی اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه

در جواب علمای تبریز خطاب به حضرت ولیعهد

ولیعهد - به جنابان مستطابان حاجی میرزا حسن آقای مجتهد و آقای امام جمعه و آقای حاج میرزا محسن آقا و آقای میرزا صادق آقای مجتهد و آقای ثقة الاسلام الثقات ما را برسانید و از طرف ما بگوئید که مراحم ملوکانه همیشه شامل عموم طبقات مردم خاصه به علمای اعلام و مخصوصاً به علمای آذربایجان بوده و خواهد بود . همگی دعا گوئی دولت و ملت و طرف توجه ملوکانه ما هستند و نسبت به همه الثقات داریم و همین است که به شفاعت و توسط شما استدعای علمای آذربایجان را در معاودت علمای طهران قبول فرموده ، مشیرالدوله وزیر امور خارجه را برای معاودت دادن آن ها روانه کردیم . به زودی علمای طهران شرفیاب می شوند و عرایض حقه آن ها را هم که مبنی بر صلاح دولت و ملت باشد قبول خواهیم فرمود .

مظفرالدین شاه قاجار

هفتم شهر جمادی الثانیة ۱۳۲۴

امروز خبر در طهران منتشر گردید که بعض از بلدان ایران از قبیل آذربایجان و غیره شروع در تعطیل نمودند .

امروز نیز تلگرافی از طرف ولیعهد مخابره شده است که صورتش این است :

تکراف و ابعهد از تبریز :

حضور مهر نایب‌الرعایه حضرت مظفرالدین شاه خلدالله ملکه

به توسط حضرت والا ، شاهزاده اتابک اعظم . به خاکبای اقدس اعلی ارواحنا فداء . تصدق خاکبای اقدس همایونت شوم . در خاک پای مملکت آرای همایونی تا حال محقق و مشهود شده است که این غلام خانه زاد از اول عمر از وظیفه جان نثاری و استرضای خاطر آفتاب مظاهر تقاعد و غفلت نداشته و اگر تصور آن را می کرد که عرایض علمای اعلام خدای نخواستہ متضمن خلاف مصلحت و مضر به حال دولت است ، ابدأ اسمی از آن‌ها در خاکبای معدلت پیرا نمی کرد در این حادثه به قدر امکان نگذاشته است که علمای آذربایجان ، از طرف قرین - الشرف همایونی مایوسی حاصل بکنند . امروز هم که به تلگرافخانه حاضر شده ، محض آن است که شخصاً از علمای مهاجر دارالخلافه شفاعت نماید . در کمال عجز و ضراعت ، به عرض جسارت می نمایم . که قاطبه رعایای ایران و ذایع الهی و به منزله اولاد اعلیحضرت اقدس ظل اللہی هستند ، حفظ ثنونات اهل اسلام و علمای اسلام هم از فرایض ذمه سلطنت است . معیناً هر گاه در این موقع از طرف قرین الشرف همایونی از ماضی صرف نظر شود و در مقام تسلیه و ترضیه و اعاده محترمانه آن‌ها برآیند ، مزید شکوه دولت و قوت اسلام و افتخار این غلام خانه زاد در بین الدول خواهد شد . رعیت که به منزله اولاد سلطان است به واسطه خبط و خطائی مستحق قهر و سیاست شدن با رحمت و نصفت کامله سزاوار نیست . امیدوارم این شفاعت صادقانه چاکر جان نثار به عز انجام مقرون افتد .

(غلام خانه زاد محمد علی)

هفتم شهر جمادی الثانیة ۱۳۲۴

جواب للتکراف و ابعهد از طرف اعلیحضرت شاهنشاه مظفرالدین شاه قاجار

از صاحبقرانیه به تبریز - دستخط مبارک

ولیعهد - عریضه تلکرافی شما به توسط جناب اشرف اتابک اعظم به عرض رسید ، مقام مرحمت خودمان را نسبت به عموم علماء اعلام و توجهات کامله که بیشتر در ترویج شرع محمدی صلی الله علیه وآله و آسایش و دعا گوئی علماء داشته و داریم محتاج به فرمایش نمی دانیم . معلوم است علمای عظام همه دعا - گوی دولت و وجودشان برای دولت و ملت مطلوب و در واقع لشکر دعا هستند ، همه وقت لازم التکریم و توقیر آن‌ها و حفظ حدود آن‌ها را بر خودمان لازم دانسته ایم ، چند روز پیش که علمای عظام آذربایجان در ضمن عریضه تلکرافی شرحی راجع به علماء عرض کرده بودند ، نیت مقدسه خودمان را به آن‌ها خاطر -

نشان کرده‌ایم و آنها هم باید خوب دانسته باشند که حسن ظن ما و التفات ما نسبت به علماء تا چه درجه است. حالا هم در مقابل شفاعت شما و استدعای علماء تبریز مقرر فرمودیم مشیرالدوله وزیر امور خارجه به قم برود و علمای عظام را محترماً معاودت بدهد. البته شما هم این مرحمت شاهانه را به آنها ابلاغ و آنها را به مراحم کامله ملوکانه امیدوار خواهید داشت. باید همگی با کمال امیدواری مراجعت و مراحم شاهانه را نسبت به خود و علمای آذربایجان بدانند که نیت مقدسه ما همیشه به ترویج شرع مطاع و آسایش علمای عظام مصروف و معطوف بوده و هیچ وقت مراحم خودمان را درباره آنها دریغ نخواهیم فرمود.

مظفرالدین شاه

هفتم جمادی الثانیه سنه ۱۳۲۴

امروز جمعی از تجار با نواب و میرزایحیی خان منشی باشی سفارتخانه، نشستہ بعض مذاکرات محرمانه می نمایند.

روزدوشنبه هشتم جمادی الاخری ۱۳۲۴ - امروز تمام بازارها بسته است، شهرت گرفته است زنها خیال اجماع و بلوائی دارند. برای این که شوهران آنها مدتی است در سفارتخانه مانده اند و نیز شهرت گرفته است طایفه قاجاریه خیال دارند به سفارتخانه آیند. تجار امروز پولی قسمت کردند که اساتید هر صنفی قسمت کنند. روی شاگردهایی که عیال دارند؛ که زنها و اطفال آنها بی مخارج نمانند و از گرسنگی تلف نشوند و این مساوات و موااسات باعث اطمینان و امیدواری مردم گردید.

کمک يك زن ناشناس و

شایعه عزل عین الدوله

يك نفر زن ناشناس آمد درب سفارتخانه و حاجی محمدتقی را طلب نمود و يك دسته اسکناس داد به او و گفت: این پول را خرج متحصنین کن. حاج محمدتقی پول را گرفت و آنچه کرد آن زن را پشناسد و بداند کی است و از کجاست، آن زن خود را معرفی نمود و قبضی هم نگرفت. طرف عصر شهرت گرفت که عین الدوله از صدارت معزول گردید.

از قم هم خبر رسید که جمعیت آقایان زیاد شده اند. از کرمانشاه پسر امام جمعه کرمانشاه، از طرف اهالی کرمانشاه آمد به قم برای یاری آقایان (۱). از اصفهان هم جناب

۱- پسر امام جمعه کرمانشاه و شیخ العراقین با آقایان تا طهران آمدند و متجاوز از يك ماه در طهران بودند، از طرف دولت و ملت نهایت احترام از آنها شد. پس از مدتی سالمناً غانماً به وطن خود هر يك مراجعت نمودند.

آقا شیخ حسن شیخ العراقرین که از متمولین اصفهان است از طرف علماء و اهالی اصفهان وارد قم شد و اظهار نمود: همه اهل اصفهان عازمند بر حرکت و مرا فرستاده اند که کسب تکلیف نمایم و آنچه که بفرمائید اطاعت خواهد شد .

از تبریز تلگراف مخابره شد که مردم تبریز اجماع کرده اند ، بعضی به سفارت انگلیس پناه برده و در قونسلخانه انگلیس متحصن شده اند و بعضی مجلس ختم و فاتحه برای سادات و اشخاصی که در طهران کشته شده اند .

از خمسه و زنجان و رشت هم خبر رسید که مردم بلوا کرده اند برای این که علمای طهران را نفی از بلد کرده اند .

امروز صبح مدیر توپخانه سیف الدین میرزا که رفته بود قم و مأمور بود اگر آقایان از قم حرکت نمایند، آنها را گرفته و متفرق و هریک را به طرفی فرستند . با رئیس تلگرافخانه قم که اسمش و لقبش لسان الممالک است ، خدمت آقایان رسیده و تلگراف عزل اتابک را خدمت آقایان ارائه داد .

از امروز تلگرافات از اطراف به آقایان می رسد زیرا که تا به امروز اتابک حکم کرده بود تلگرافاتی که مخابره می شود نرسانند .

عزل عین الدوله و نصب مشیرالدوله

روز سه شنبه نهم جمادی الاخری ۱۳۲۴- در این روز اخبار موحشه از بلدان و شهرها رسید (۱) بنده نگارنده یک شب نزد نایب السلطنه بودم و اظهار خدمت خود را می نمود . فرمود در عزل عین الدوله اگر من سعی نکرده بودم ، اعلیحضرت او را عزل نمی فرمود . از اصرار من عین الدوله استعفاء نمود .

باری نایب السلطنه بر حسب مرسوم استعفاء نامه عین الدوله را برد خدمت اعلیحضرت

۱- نایب السلطنه مجبور گردید مطالب را به شاه عرض کرد . سایر ابناء سلطنت نیز اخبار را عرض کردند ، لذا شاه متغیر گردید اتابک را معزول کردند .

نایب السلطنه شاهزاده کامران میرزا برادر اعلیحضرت مظفر الدین شاه ، از طرف اعلیحضرت همایونی به شاهزاده اتابک گفت : جناب اتابک خوب است از صدارت استعفا دهید استعفانامه خود را بنویسید و از اعلیحضرت استعفا کنید استعفای شما را قبول فرمایند .

عین الدوله جواب داد: من تقصیری بر خود نمی بینم و از منصب خود و شغل خویش استعفا نمی کنم . شاهزاده نایب السلطنه گفت پس است مگر خیال دارید تخم قاچاریه را از زمین براندازید؟ مگر از شهر خبر ندارید؟ یک ساعت دیگر تامل جایز نیست . عین الدوله خواهی نخواهی استعفای خود را نوشت .

خود مؤلف در حاشیه چنین نوشته است :

«شاه مرحوم هیچ متغیر نمی شد . عین الدوله خودش استعفا داد و خودش دست مشیرالدوله

را گرفته تقدیم شاه کرده بود .»

شاه و شاه استعفاء عین الدوله را قبول فرموده، عین الدوله پای شاه را بوسیده و به طرف ده خود مبارک آباد حرکت نمود.

نایب السلطنه بر حسب حکم اعلیحضرت مظفرالدین شاه وزراء را احضار کرد. مشیر الدوله که وزیر امور خارجه بود رئیس الوزراء گردید. عضدالملک با حاج نظام الدوله مأمور شدند که روانه قم شوند، برای معاودت دادن آقایان. لکن بازارها هنوز بسته است، مردم همگی در سفارتخانه جمع می باشند می گویند: تا عدالت خانه مفتوح و منمقد نگردد ما از این جا حرکت نمی کنیم.

روز چهارشنبه دهم جمادی الاخری سال ۱۳۲۴ هجری - در این روز بازارها بسته و تعطیل عمومی است. شاگردان مدارس نیز در سفارتخانه چادر زدند. از هر صنفی بلا استثناء حتی پستخانه و تلگرافخانه نماینده در سفارتخانه چادر زدند.

امروز شخصی سوار قاطر بود وارد سفارتخانه شد و گفت: مردم مزده دهید که عین الدوله معزول گردید. نزدیک بود مردم از خوشحالی متفرق شوند که عقلا و اجزاء سفارتخانه او را دور کردند و از سفارتخانه بیرون کردند و گفتند: مقصود ما عزل عین الدوله نبود خواه عین الدوله معزول باشد خواه منسوب، چه ربطی به ما دارد که عزل شده است.

باری منصب صدارت را دادند به مشیرالدوله و این مشیرالدوله از اهالی ناین است. که بین یزد و قم واقع است و در سی سال قبل منشی نظام السلطنه بود و مواجب او در ماه سه تومان بود و این صدراعظم اگر چه شخص با علمی نیست، لکن او را دو پسر است که عالم و تربیت شده می باشند. یکی مشیرالملک است که وزیر مختار ایران در روسیه بود، از حیث علم و تربیت بدنیست. اگر بتواند تصرفی در کار پدرش بکند کاری از پیش خواهد رفت و الا کار خراب تر خواهد شد.

یکی دیگر از پسرهایش مؤتمن الملک است که این جوان هم با علم و با تربیت است. از این دو جوان که یکی به سن بیست و دوسه سال است و دیگری به سن بیست و نوزده امیدی هست، چه هر دو در مدارس جدید تحصیل کرده اند.

امروز متحصنین تلگرافی به علماء و مهاجرین مخابره کردند و به آنها رسانیدند که بدون اجراء مقاصد و اشاره ما مراجعت نکنید و فریب نخورید جوایی که رسید از این قرار است.

تلگراف مهاجرین به متحصنین سفارت

به توسط جناب شاردزادفر انگلیس. به عموم علماء و تجار و کسبه، متحصنین سفارت. در جواب تلگراف شما اطلاع می دهیم که آسوده خاطر باشید. ما فریب نمی خوریم آنچه شنیده اید و می شنوید دروغ و ساختگی است. تا مقصود به عمل نیاید و تأمین از طرف سفارت انگلیس و اطمینان به من ندهند حرکت نخواهیم

کرد. به جای خود آسوده بمانید. بیش از این نمی گویم خواهش دارم این مطلب را فوراً به تجار و کسبه برسانید.

امضاء سید عبدالله

از قم خبر رسید که دولت با علماء اعلام در گفتگوی تلگرافی می باشد که ما بعض از آن تلگرافات را در این جا درج می نمایم.

عندالملك هم آقایان را مانع از رفتن به عتبات گردید و آنچه لازم بود تلگراف کرد. معین حضور که از اجزاء انجمن مخفی بود و در سفارت خانه بود، امروز رفت در مبارک آباد که بدانند عزل عین الدوله به واقعی است و یا دروغ و غیر واقع است. پس از ورود به مبارک آباد دید که جز حاج مشیر لشکر و امیر خان سردار، برادر زاده عین الدوله و اعظام الممالک احدی اطرافش نیست. پس از ملاقات، عین الدوله رو کرد به معین حضور و گفت: معین حضور برای چه آمدی - این جا مگر نمی دانی من از کار افتاده ام.

معین حضور گفت: در زمان صدارت مرا تمام کردی و هستی مرا گرفتی، آمده ام که دو کلمه نوشته به من بدهی که من سندی در دست داشته باشم. عین الدوله گفت: من چیزی نمی نویسم دیگر از شر من خلاص شدید، بروید نزد رئیس الوزراء و آنچه می خواهید از او بخواهید و بگیرید. معین حضور گفت: امیدوارم چنان که مرا تمام کردی خداوند تو را تمام کند و من دیگر آرزویی ندارم و خداوند دعای مرا مستجاب کرد و مرا و امثال مرا از شر تو خلاص نمود.

اعظام الممالک گفت: جناب معین حضور امروز آمدی که حضرت والا را شامت کنی؟ معین حضور گفت: من آمده ام که اتمام حجت کنم که حضرت والا شاید متنبه و متذکر شود. باری معین حضور یقین کرد که عین الدوله از صدارت خلع شده است و آنچه هم که لازم بود گفت و مراجعت نمود و خبر به اشخاص متحصنین رسانید و مردم بطور یقین و جزم دانستند که از شر عین الدوله خلاص شدند.

روز پنجشنبه یازدهم جمادی الاخری سنه ۱۳۲۴ هجری - در این روز بازارها و سراها بسته است. مردم در سفارتخانه ازدحام کرده اند. مفتاح الدوله؛ پسر مفتاح الملك، از طرف دولت حامل دستخطی گردید که برود به قم. مشهور است که سردار افخم مأمور است که از اتابك نگهداری کند تا حساب او را بخواهند.

مشیر الدوله هنوز در صدارتش کاری نکرده است. تلگرافی از مجلس کلات از طرف آقا میرزا آقای اصفهانی به عنوان جناب حاج میرزا یحیی دولت آبادی رسید به این مضمون:

دیدم که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کند

حضور حضرت اشرف رئیس الوزراء آقای مشیرالدوله سلام می‌رسانم . مشارالیه تلگراف را به مشیرالدوله ارائه داده مشیرالدوله گفت : از اعلیحضرت شاهنشاه استدعا می‌کنم که محبوسین را مرخص نمایند .

شهرت گرفته است که تلگراف کرده اند اشخاصی که تبعید شده بودند مراجعت نمایند و سعدالدوله و سعیدالسلطنه هم که تبعید و نفی از طهران شده اند معاودت کنند و هم نظام - السلطان و معتمد خاقان که از تبعید شدگان بودند به وطن خود برگردند . اگرچه معتمد خاقان در قم و نظام السلطان در مازندران حکومت و ریاست داشتند و به اعلیحضرت مظفر - الدین شاه خادم بودند ولی نسبت به عین الدوله نهایت عداوت را اظهار می‌کردند ، خصوص نظام السلطان که در مجالس سرّی ، سر و سرّی داشت . چنانچه در شرح حالات ایشان خواهد آمد .

جناب حاج نظام الدوله و جناب مستشارالملك مأمور شدند که معجلاً روانه قم شوند و از آقایان نگهداری و پذیرائی کنند ، تا جناب عضدالملك که از طرف اعلیحضرت مأمور معاودت دادن آقایان می‌باشد حرکت کنند و وارد قم شوند . اول خبری که از عزل عین الدوله به آقایان رسید به توسط لسان‌العمالک رئیس تلگرافخانه قم بود . ولی اول تلگرافی که از طهران به آقایان رسید تلگراف آقا شیخ محمود ملای زرگنده بود که در شب جمعه دوازدهم مخایره کرد و ما بعضی از تلگرافات را که دست آوردیم متدرجاً درج می‌نمائیم .

تلگراف آقا شیخ محمود از طهران به قم به آقایان میاجرین

حضور مبارک حضرت آقای حاج میرزا سید محمد مجتهد و سایر حجج اسلامیه دامت برکاتهم - از سفارت روس اخبار رسید به ملاحظه احترام آقایان و رعایت ملت ، شاهزاده اتابک خلع شد . (شیخ محمود زنجانی ملای زرگنده)

تلگراف نظام الدوله به آقایان میاجرین

حضور مبارک حضرت مستطاب ملاذالانام ، اسلامیان پناه ، آقا سید محمد مجتهد دامت برکاتهم - پیغام دیروز بنده به عرض رسیده ، محض خدمت به شریعت مطهره آنچه لازمه دولتخواهی بود . به عرض خاکپای جواهر آسای اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی ارواحنا فداء رسانیده ، از جایی که خاطر مهر مظاهر ملوکانه همیشه مصروف ترویج شرع مقدس و آسودگی مردم است ، نسبت به اهالی مملکت و آقایان کمال مرحمت را مبذول فرمودند . خود بنده عازم قم هستم بدون این که تا حال به زیارت حضرت عالی مشرف شده باشم . فدویت و ارادت غایبانة خالصانه داشته‌ام باید حضرت عالی توجه کاملی فرموده بنده را بدون شناسائی در فدویت خودتان مستدام دارید .

(نظام الدوله)

روز جمعه ۱۲ جمادی الاخری ۱۳۲۴ - در این روز دکانین عموماً بسته است دم سفارتخانه تهیه چراغان شب مولود شاه را می بینند. وضع سفارتخانه امروز از هر روز منظم تر و جمعیت بیشتر می باشد. امیرخان سردار، متقبل شده است که با عین الدوله برود به مشهد مقدس، یعنی در یکی از دهات خودش که در نزدیکی مشهد واقع است و موسوم به فریدان و تهیه حرکت را دیده، که خیلی محترم حرکت کند.

به قم هم تلگراف مخابره شده است و تلگرافات سابقه را که قدغن بود نرسانند امروز رسانیده اند که ما صورت بعضی را دست آورده و درج می نمایم. لکن يك تلگرافی از شاع - السلطنه پسر شاه مخابره شده است به عنوان آقا سید علاءالدین داماد آقای بهبهانی که صورتش از این قرار است :

تلگراف شاع السلطنه به قم

جناب مستطاب آقا سید علاءالدین . تلگراف شما رسید از مندرجات آن عوض آن که خوشوقت شوم ملول شدم. نمی دانم ملتفت هستید و می دانید که خاتم انبیاء روگردان. با کمال افسوس نگاه به حالت حالیه خود نموده کلمه، ما اودی نبی مثل ما اودیت را وقتی حکایت از دشمنان خود فرموده، حالا به ذراری خود خطاب فرموده و تکرار می فرماید: این چه حالت است؟ برای خرابی این دین و آئین شرع و این مشتم مسلمان به چه اندازه حاضر هستید و چه خواهید گفت؟ به جد مطهر مقدس خودتان خواهید فرمود یا رسول الله به جهت حفظ و رعایت ظاهریه و حقوق دنیویه خارج شدیم و يك مشتم جاهل را ول کردیم که هر نوع استبدال و خفت که ممکن بود به این شرع و به این آئین وارد آوردند. دیدیم و شنیدیم که محمدی متوسل به مسیحی شد. به جهت رعایت حقوق خودمان راضی شدیم بلکه تحسین کردیم و تشجیع نمودیم، خوب است، عرض بکنید ای حجج - اسلامیه اگر اسلام باشد شما حجت آن خواهید بود و الا خارج. حجت و دلیل لازم ندارند هنوز آن وقت نرسیده است که بر حسب تکلیف شرعی خود را مکلف دینی بدانید که فوراً برخاسته بیائید این مفاصد را بخوابانید. بیش از این راضی به خجالت رسول الله نشوید. تشریف بپسید کر بلا به بینیم علماء اعلام آن زاویه مقدسه راضی خواهند بود که شما شهری را به این حالت بگذارید، بیرون بروید.

تا این جا عرض به آقایان بود. حال به خود شما که سید علاءالدین هستید، می گویم. من تو را آدم وطن پرست می دانستم این چه بی غیرتی است که تحمل می کنی؟ این نتگ را به کجا میبری؟ که فرنگی از ترس طلبه بیرون نمی آمد. حالا سید و طلبه به خانه فرنگی برود. در صورتی که قطعی و یقین است که اگر يك سال هم بمانند گشایشی از این جهت برای آنها نخواهد بود. نزدیک است بکلی

رشته اعتقاد و الفت من از شخص شما بریده شود و البته یقین دارم آقایان ملتفت نیستند و شما هم نمی گوئید اگر مسلمانی يك عرق و حمیت دارد هر قدر آن بی حس و لجوج باشد، باز در این موقوف نمی تواند خود داری کند. منتظر جواب حجج آن جا هستم.

الساعة که صبح جمعه می باشد، جناب سید مطهرالدین را دیدم، عصری با آقای شرفه حرکت کرده خواهند آمد. شخص دیگری هم که از محترمین و طرف وثوق است باید رسیده باشد. باید حضرت حجة الاسلام آقای آقا سید عبدالله و شما ازدوستی من صرف نظر نکنید و با این که يك جو عرق مسلمانی شما و دینداری به جوش آمده اقدامات سریع نکنید، منتظر جواب هستم ولی انه جواب سر بالائی. کهریزك (ملك منصور)

تلگراف مشیرالدوله رئیس الوزراء به آقایان

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب شریعتمدار حجة الاسلام آقای آقا سید محمد مجتهد سلمه الله تعالی - چون استغفای حضرت مستطاب اشرف ارفع افخم والا شاهزاده اتابك اعظم دام اجلاله، در خاکپای جواهر آسای همایونی روحنا فداه موقع قبول یافت و حسب الامر اقدس اعلی خدمات مقررہ دولتی به ارادتمند محول گردیده است، برای جلب تأییدات مأموله خود استعلام سلامت حالات خدمت جناب مستطاب عالی را وسیله سعادت ابدی داده، ضمناً زحمت می دهد که برای ابلاغ مقررات علیه همایون و تجلیل مقررہ که برای مزید امیدواری و معاودت داده و به مراحم فوق العاده ملوکانه امیدوار سازند و امیدوارم مخلص هم این موقع را برای ظهور ارادت قلبی مفتنم شمرده به درك ملاقات موفق و از مزده سلامت حالات مسرورم فرمائید.

(مشیرالدوله)

دستخط تلگرافی اعلیحضرت اقدس مظفرالدین شاه قاجار به عنوان مهاجرین

جنابان مستطابان شریعتمداران، علماء اعلام دارالخلافه سلمه الله تعالی. چون به اقتضای حسن ظن که همیشه نسبت به عموم علماء اعلام داشته ایم. همه وقت آن ها را دعاگوی دوام دولت اسلام و خیر خواه شخص خودمان می دانیم. و در این مدت که پاره ای حوادث، جنابان شما را، از مرکز سلطنت مهجور ساخته بود. این مسافرت و مهاجرت شما را خیلی بر خودمان ناگوار می دیدیم و به علاوه در این اشتداد گرما و عدم اقتضای فصل و موسم، بیش از این دوری از مرکز سلطنت مقتضی نبود. این دستخط را مزید بر ابلاغات شفاهیه فرمودیم که همه شماها مراحم قلبیه ملوکانه را بیش از پیش نسبت به خودتان شامل دانید و عرایض خیر خواهانه

خودتان را همه وقت در حضور ملوکانه مسموع و مقبول شمارید، مخصوصاً محض تکمیل مراسم شاهانه نسبت به جنابان شما. مثل جناب مستطاب اجل عبدالملک، نوکر محترمی را که از اولین رجال محترم دولت و طرف اعلیٰ درجه و ثوق و اعتماد خودمان است، مأمور می‌فرمائیم که جنابان شما را به مراسم شاهانه مستظہر و امیدوار داشته فرمایید ما را حضوراً ابلاغ و شما را با تجلیل کامل معاودت بدهد: جناب معزی‌الیه هر چه بگوید عین فرمایشات ما است و هر چه ابلاغ کند در حکم این است که خودمان شفاهاً اظهار فرمودیم. در این صورت با ترتیباتی که شروع شده است، باید همگی به عواطف شاهانه امیدوار و مطمئن باشید و بدانید که همه وقت رعایت تکریم و تجلیل علماء اعلام به اعلیٰ درجه در حضور ملوکانه ما منظور و آنها را خیر خواه حقیقی خودمان دانسته توقیر و احترامات آنها را همیشه بر خودمان واجب می‌شماریم و یقین داریم جنابان شما هم به اقتضای تکالیف شرعی، خودتان بیش از این طول زمان مسافرت را جایز ندانسته هر چه زودتر در معیت جناب معزی‌الیه معاودت خواهید کرد. تا ما هم مراسم قلبیه خودمان را کاملاً در موقع شرفیابی مشهود و معلوم داریم.

۸ جمادی الثانیہ ۱۳۲۴

عریضه تشرافی آقایان مهاجرین از قم حضوراً علیحضرت مظفرالدین شاه

از آن جایی که خادمان شریعت مطهره و داعیان بقای دولت قاهره، با القطع و الیقین می‌دانستیم که به جهت اختلال و اغتشاشات جاریه در امور مملکت از تجاوزات و تعدیات اولیاء امور و عدم اعتناء در اجراء احکام الهیه و اوامر شرعیه و اشاعه فواحش و منہیات و ارتکاب محذورات دینی، در خاطر خطیر همایونی مکنون و مرکوز است که تأسیس مجمع و مجلس عدالت فرمائید که مظهر عدالت و مظهر رأفت پادشاهی نسبت به مملکت و رعیت و مورث رفع اختلال و قلع ماده فساد در کلیه امور دولت و ملت باشد. این است که از طرف دعاگویان نیز دو سال است استدعا و ابراز و اجراء این نیت مقدس از ساحت عبثه سلطانیه شده و خاطر مقدس ملوکانه هم به صرافت طبع و اقتضای میل مبارک صلاح حال مملکت را منظور و امر به تشکیل آن فرمودید لکن تسلیات و ترتیبات خارجی، این استدعا را طوری جلو داده و عرایض را طوری القاء و اظهار نموده که ترتیب این امر مقدس تاکنون معوق و معطل مانده. در این موقع که رأفت شامله ملوکانه و مراسم کامله خسروانه نسبت به عامه رعایا در مقام بروز و شمول است، لازم دانستیم که این مقصد مهم اسلامی را که به موجب اعلام کلمه حق و مزید قوت سلطنت اسلامی و حفظ مملکت و رفع ایادی و نفوذ و منع تصرفات خارجی

است. در عالم دوات خواهی و ملت دوستی و اسلام پرستی در این ورقه به عرض سده سنیة ملوکانه رسانیده. حسب التکلیف والوظیفه قبول و اجراء مستدعیات بی غرضانۀ خود را از حضور اقدس همایونی استدعا نمائیم. استدعای دولت خواهانۀ جماعت دعاگویان و قاطبۀ علماء اعلام و رعابای پادشاه اسلام این است، که امر و اجازه سنیة ملوکانه صادرشود به تشکیل و تأسیس مجلس که اعضای آن مرکب باشد از جمعی از وزراء و امناء بزرگ دولت که در امور مملکت با ربط و از اغراض نفسانی بری باشند و جمعی از تجار محترم که در صناعت و تجارت با اطلاع و از مصالح امور دولت و ملت مستحضر و برای مشاورت صالح باشند و چند نفر از منتخبین از علماء عاملین که بی غرض و با بصیرت باشند و جمعی از علماء و فضلاء و اشراف و اهل بصیرت و اطلاع و این مجلس عدالت مظفریه که مرکب از امناء پادشاه است، در تحت نظارت و ریاست و فرمان فرمائی شخص شخیص پادشاه اسلام که پدر رؤوف و خیرخواه است، حاکم و ناظر بر تمام ادارات دولتی و مراتب انتظام و اصلاح امور مملکتی، از تعیین حدود و وظایف و تشخیص دستور و تکالیف تمام دوائر مملکت و اصلاح نواقص امور داخله و خارجه و مالیه و بلدیة و تعیین حدود و احکام اولیاء امور و ترتیب سایر شعب امور ملکیه و دهام خلیقه و منع ارتکاب منہیات و منکرات الهیه و امر بمعروف و واجبات شرعیة و ترتیب مقاولات و مقابلات و معاملات داخله یا خارجه به میزان احکام شرعیة و تحریر فصول و ابواب و ترتیب کتابچه و اوراق آنها و به وسیلۀ نظارت و اهتمام و مراقبت این مجلس مظفریه به تمام حدود و حقوق و تکالیف عموم طبقات رعیت معین و محفوظ احقاق حقوق ملهوفین و مجازات ظالمین و اصلاح امور مسلمین بر طبق قانون مقدس و احکام متقن شرع مطاع که قانون رسمی و سلطنتی مملکت است، معلوم و معجری شود. تمام افراد رعیت دانسته و می دانند که مکتونات و ارادات صمیمه و مقاصد و نیات مقدسه و توجهات خاطر معدلت مظاهر ملوکانه، سالهای دراز است معطوف بر ترتیب این امر مشروع اسلامی بوده چنانچه فرمایشات و اوامر ملوکانه و نطقهای خسروانه در مواقع رسمیه و غیر رسمیه شاهد این مدعاست. حالا هم دعاگویان به متابعت و موافقت نیت مقدسه ملوکانه، تشکیل این مجلس را عاجلاً در روز معین استدعا می کنیم که انشاءالله تعالی به حسن نیت پادشاه اسلام پند، این مجلس که مظهر و مظهر عدالت شاهانه است، به نظارت بر امور مملکت و اعمال مساوات بین طبقات رعیت در اجراء احکام مقدس اسلام اصلاح نواقص حالیه رفع اختلافات جاریه را نموده باعث مزید قوت و شوکت دولت و ملت و آبادی و اصلاح و حفظ حدود و ثغور مملکت و استحکام و دوام

سلطنت اسلامیہ گردد و امیدواریم کہ محض مزید امیدواری عامه رعایا تشکرات خالصانه دولتخواهی خود را پس از زیارت فرمان مبارک به حکم رسمی دولتی و تشکیل مجلس و مجمع مغفیری و تعیین اعضاء و تحریر کتابچه و نظامنامه داخله آن شروع و به ترتیب این مشروع مقدس، در تحت قبه مطهره حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها به عرض حضور شاهنشاهی رسانیده و به عموم رعایای پادشاه اطلاع نمائیم و برحسب استظهارات رأفت آمیز پادشاهی، معاودت به دارالخلافت نموده تمام هم و اوقات و جد و جهد خود را صرف تسداریک و جبران تعطیلات و توفیقات وارده که در این مدت، از روی اضطراب و ناچاری از رعایای مطیع پادشاه ناشی و صادر شده نموده، باکمال امیدواری و اطمینان به معاضدت و معاونت عموم ملت و رعیت از این توجہات خاصه پادشاهی به تقویت دولت و ملت و دعاگوئی ذات اقدس پادشاه اسلام اشتغال ورزیم.

رد دست خط شاه

روزشنبه ۱۳ جمادی الاخری ۱۳۲۴ هجری - دو ساعت از شب شنبه دیشب گذشته، میرزا حسین خان پسر کهنتر مشیرالدوله، (صدراعظم) دستخطی آورد در سفارتخانه انگلیس که مجلس را افتتاح می کنیم، اما در طهران فقط، نه در سایر بلدان ایران و در قضایا بعد از مشاورت اعضاء و حکم مجلس و تصدیق وزراء دربار اگر اعلیحضرت پادشاه ایران اعضاء فرمود آن حکم اجراء خواهد شد و سمت رسمیت را حاصل خواهد نمود و الا فلا بعبارة اخری مجلس تابع اراده سلطانی باشد نه آن که شاه ملزم باشد به اجراء حکم مجلس. تجار و کسبه گفتند ما چنین مجلسی لازم نداریم. مجلس باید حاکم مطلق باشد و شوبات آن در تمام بلدان و دهات و قری دایر باشد و چنانچه در قضیه ای مجلس حکم داد، باید اعلیحضرت آن حکم را حتماً اعضاء و اجرا فرمایند.

امروز خبر رسید که دستخط را عوض کردند و تغییر دادند و دستخط صادر شده است که مجلس به تصویب و میل علماء اعلام تشکیل شود و صورت دستخط را بردند به مطبعه شاهنشاهی که طبع کنند و در تمام بلدان ایران منتشر سازند. و نیز از قم خبر رسید که آقایان مراجعت نمی کنند. اصفهان و کاشان و دهات اطراف قم به هیجان آمده اند. تلگرافات بسیاری از شهرها به آقایان مخابره شد که ما در عنوان هر روزی بعض از آنها را درج می نمائیم.

تلگراف اعلیحضرت شاهنشاه به قم به عنوان مستشارالملک

مستشارالملک، تلگراف شما را وزیر دربار به نظر ما رسانید. از خدمات شما کمال خوشوقتی و رضایت داریم. شما فلا همان جا بمانید تا عضدالملک هم

بیایند آقایان و علماء را بیاورید . از جانب ما احوال تمام آقایان و علماء را پرسیده و اظهار مرحمت ما را به یکایک ایشان برسانید .

(مظفرالدین شاه)

تکراف از اصفهان به قم

حضور مبارک حجج اسلامیه دامت برکاته - اخبار به اختلاف مسموع، اسباب حیرت در تکلیف، حالات شریفه را اطلاع، تکلیف معلوم، از سلامتی شاکر گردد.

(شیخ جمال‌الدین اصفهانی)

از تبریز به قم

خدمت حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای آقا سید عبدالله مجتهد سلمه الله تعالی و برکاته ، از وقوع قضیه هایله ، داعی و سایر علماء آذربایجان زیاد از حد متألم گشته و شریک مصیبت شما هستیم . ثلثه فی الاسلام لایسدها شیء الی یوم القیمة . به قدر مقدور مشغول اقدامات لازمه هستیم . همه اوقات تمامی حالات شریفه خود و سایر آقایان را مرقوم فرمائید .

(مجنهد)

ایضا از تبریز

از تبریز به طهران به توسط حاج عبدالرزاق اسکویی :

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب شریعتمدار ملاذالانام مروج الاحکام ، آقای حاج سید محمد مجتهد دامت برکاته ، مدتی است از سلامت حالات میمنت اطلاع نداده‌اید . نگرانی خاطر حاصل است . محض رفع نگرانی سلامت مزاج بهاج و احوالات اتفاقیه اعلام فرمائید .

(خادم شریعت عبدالکریم)

این تلکرافات را از طهران فرستادند به قم خدمت آقایان . از عتبات عالیات هم تلکرافات متعدده مخابره شده که ما بعضی را درج نمودیم .

تکراف مهاجرین به تبریز

خدمت جناب مستطاب حجة الاسلام ، آقای مجتهد دامت برکاته ، تلکراف تفقد آمیز زیارت ، از ملاطفت آقایان عظام تبریز متشکر و البینه در این موقع بذل مجاهدات بر عموم علماء اعلام و اهل اسلام لازم ، داعی و سایرین حجج اسلامیه مهاجرین در بلده طیبه نایب‌الزیارة و به تنبیه مسافرت مشغولیم .

(سید عبدالله)

تکراف از عتبات عالیات

حجج اسلام دامت برکاتهم . تلکراف اخبار موحش از طهران رسید موجب

پریشانی فوق‌العاده گردید . مطالب چیست؟ عاجلاً اطلاع بدهید، تا اقدامات لازمه بنمائیم. (الاحقر عبدالله مازندرانی) (الاحقر محمد کاظم خراسانی) (حاج میرزا حسین نجل مرحوم حاج میرزا خلیل)

تلگراف از اصفهان

حضور محترم علماء و حجج اسلام دامت برکاتهم ، قلوب منکسرة عموم مخلصین از تأسف خاطر محترم افسرده و غمگین است . برای اجراء مقاصد مقدسه به حضور مبارک حضرت بقية الله ارواحنا فداء متوسلیم . تلگرافی هم به طهران شد. امید است جواب مساعد مرحمت شود. اکنون هم محض اظهار خلوص، و وداد و يك جهتی و اتحاد به عرض این مختصر مبادرت نموده هر گونه خدمتی و فرمایشی باشد اعلام فرمائید، برای همراهی و متابعت بانهایت امتنان و ارادت حاضر هستیم . (مسیح الموسوی) (ابراهیم الموسوی) (جمال‌الدین محمد هاشم) (محمد باقر طباطبائی) (ابوالحسن الطباطبائی) (علی الموسوی) .

ایضاً تلگراف از اصفهان

حضور مبارک حجج اسلام دام ظلهم - هشتم وارد شدم . حضرت آية الله آقای نجفی دام ظلّه و آقای ثقة الاسلام چند روز است با سایر علماء اعلام تدارک حرکت دیده‌اند و عازم قم بودند و هستند. مدت مکث حجج اسلام و تکلیف اعلام فرمائید. (ملا علی اکبر)

این تلگراف را جناب آخوند ملا علی اکبر مجتهد قم که سفیر و داعی بود از طرف آقایان و رفته بود به اصفهان مخابره کرده‌است و این شخص از جمله علماء عاملین و مقدسین می‌باشد. بنده نگارنده در دهسال قبل خدمتشان رسید صاحب ذوق و حرارت و قدسی به کمال است .

روز یکشنبه ۱۴ جمادى الاخرى ۱۳۲۴ هجرى - در این روز دكاکین عموماً بسته و جمعیت سفارتخانه زیادتر از هر روز است از قم هم جمعی آمدند. از طرف آقایان مکتوبی به عنوان متحصنین رسید که مراجعت ما موقوف و منوط به افتتاح عدالتخانه و حرکت شما از سفارتخانه است، شهرت مراجعت ما بی مأخذ و بی اصل است . پس از ورود عضدالمک به قم يك روز در خانه نشست که آقایان از او دیدن کنند . آقایان هم ملتفت شده اعتنائی به او نکردند و چند دفعه بین عضدالمک و آقایان سفراء يك دیگر آمد و شد کردند تا بالاخره با هم دوست و درست آمدند . از طهران هم متوالیاً تلگراف به عضدالمک می‌شود و اسرار در حرکت آقایان می‌کند .

دستخط تلگرافی اعلیحضرت مظفرالدین شاه قاجار به عنوان عضدالمک

جناب عضدالمک. عریضه تلگرافی شما رسید، از سلامتی شما خوشوقت شدم